

گفت و گو با مجید میرفخرایی طراح صحنه و لباس
نمایش «شمس» • محمدرسول صادقی

طراحان صحنه در ایران امنیت شفلی ندارند!



• نمایی از نمایش «شمس»

• شما را به عنوان یکی از برجسته ترین طراحان صحنه در عرصه سینما می شناسند. چطور شد که از سینما به تئاتر کوچ کردید؟
- شاید بهتر بود می گفتید که چطور از تئاتر به سینما رفتم. چرا که من از شروع کار سینمایی ام، حدود ۲۵ کار نمایشی انجام داده بودم که بخشی از آنها در ایران و بخشی دیگر در انگلستان می باشد. بعد از انقلاب که سینما قدری رونق گرفت به سینما رفتم. قبل از انقلاب، تئاتر وجه ای داشت که سینما نداشت، اما بعد از انقلاب سینما وجه ای پیدا کرد که تئاتر از آن برخوردار نبود. اما در سال های اخیر که تئاتر جان دوباره ای گرفت، ما هم به تئاتر عطف خوردیم در دوره هجرت به سینما، هرگز سعی نکردم پیوندم را با تئاتر قطع کنم. فراموش نکنید که تئاتر ما در سینما است. و کسی که از تئاتر به سینما می رود، هیچ زمان پیوند خودش را با تئاتر قطع نمی کند. به همین لحاظ، من از آنجا که نمایش آقای دژاکام جای بحث و کار داشت را پذیرفتم و از این بازگشت دوباره خوشحالم.

• تفاوت طراحی صحنه سینما و تئاتر را در کجا جست و جو می کنید؟

در سینما ما با مکانس بندهای بسیاری در ارتباط هستیم. به طوری که در یک فیلم ما باید حداقل بالای ۲۷ مکان را صحنه آرایی کنیم و این شامل صحنه های داخلی و خارجی فیلم هم می شود. چرا که در سینما ما با دوربین و لنزهای مختلف سروکار داریم. ضمن اینکه در سینما کار فشرده تر و سخت است، زیرا امکان دارد در فیلمی مثلاً ۱۵۰۰ سیاهی لشکر را ما طراحی لباس کنیم و این زمان و دقت فراوانی را می طلبد. اما در تئاتر فضا محدود و کوچک است و به عوض دوربین، این چشم است که همه عوامل را زیر نظر گرفته است. این خلاصه گویی و ظرافت در تئاتر باعث شده است که تئاتر هم سختی های خودش را داشته باشد. به طور کلی باید بگویم این دو عرصه هر کدام زندگی و سختی خاص خودشان را دارند.

● تا چه حد در طراحی صحنه نمایش «شمس» از تعزیه بهره بردید؟
- بسیار زیاد. از تعزیه الهام گرفتیم و این در صحنه آرایی و طراحی لباس بازیگران کاملاً مشهود است. اینکه سعی کرده‌ام لباس‌ها و صحنه در عین سادگی دنیایی را القاء کنند. سعی کردم در این نمایش از فضای تعزیه دور نشوم، کما اینکه آقای دژاکام هم اعتقاد داشتند فضای صحنه نمایش نزدیکی‌های بسیاری با تعزیه دارد که در عین پختگی به یک اپرت تبدیل نشده است. بر همین مبنا سعی شده که نمایش با کل فرم تعزیه نزدیکی داشته باشد.

● در طراحی صحنه نمایش، از چه چیزهای دیگری سود جستید؟
- سعی کردم از همان رنگ‌های متدوال در اجرای تعزیه بهره ببرم. مثلاً برای امام حسین (ع) و یا حضرت عباس از همان لباس‌ها و شال‌های سبز رنگ استفاده کردم. لازم به ذکر است، از آنجا که این کار از لحاظ حجم بسیار سنگین بود، ما سعی کردیم به شکل خیلی اصولی کار کنیم. یعنی من به عنوان طراح هنری به همراهی سپیده نظری پور در مقام طراح صحنه و حشمت حاج یوسفی در مقام طراح لباس، مشترکاً کاری که مشاهده کردید را به مرحله انجام رساندیم. این دوستان زیر نظر طراحی من مرا به ایده‌هایم نزدیک‌تر کردند.

● به عنوان یکی از طراحان صحنه حرفه‌ای سینمای کشور، مشکلات فعلی طراحان صحنه سینما را در چه می‌بینید؟

- سینمای ما هنوز آن‌طور که باید و شاید مثل تمام دنیا حرفه‌ای نشده است. و اگر ایثار و فداکاری بچه‌های سینما نبود معلوم نمی‌شد که تکلیف ما حرفه‌ای‌ها در این عرصه چه خواهد شد. یکی از مشکلات ما این است که ساعت کار درستی نداریم و این در حالی است که تمام مشاغل در دنیا دارای ساعت کار مشخصی هستند و یا مشکل دیگر این است که با وجود بیش‌چهل عضو رسمی طراح صحنه و لباس در خانه سینما، به‌طور مثال در جشنواره‌ای که گذشت ما می‌بینیم که فقط تعداد معدودی که به انگشتان یک دست هم نمی‌رسند شاغل بوده و کار کرده‌اند و باقی بیکار بوده‌اند. و این یعنی اینکه حرفه ما هنوز امنیت شغلی ندارد! و هر کس که می‌خواهد فیلمی بسازد با مراجعه به اقوام و آشنایان، طراح صحنه‌ای برای خود می‌تراشد و نتیجه این می‌شود که طراحی صحنه روز به روز ضعیف‌تر و کم‌ارزش‌تر در جامعه سینمای کشور جلوه‌گر می‌گردد. امیدوارم به زودی با رعایت امنیت شغلی و ارزش‌گذاری به مرحله‌ای برسیم که این حرفه بیش‌از پیش رشد و شکوفایی داشته باشد.

اجرائی باید این بهره‌برداری را متحقق نماید. به عنوان مثال می‌شد از نورهای سبز در پس پرده‌های سفید استفاده کرد و در همان حال از نورپردازی سرخ نام بهره گرفت تا با ترکیب دو نور و رنگ، ترکیب ماندگاری ایجاد شود. متأسفانه با تمام سعی و تلاشی که برای ایجاد یک اجرای ایرانی به عمل آمده از خطوط اسلیمی، منحنی و پیچشی در کار استفاده نشده است و به لحاظ بصری، کار با مشکل روبرو می‌شود.

● تکمله: نمایش «شمس» با اجرایی گیرا و شکیل همراه است. گروه تلاش می‌کند تئاتری آزاد و در عین حال پویا را به نمایش بگذارد و این در نهایت حرکتی عالی و مثمر ثمر است؛ اگرچه با برخی مشکلات همراه می‌باشد! در باب بازیگری خوشبختانه در کل بازیهای قابل توجه‌ای ارائه می‌شود که البته بازی شمرخوان و حسین خوان و حکیم، قابل بحث‌ترین هستند. موسیقی نمایش، پخته، فنی، لا زم، گوش نواز، تصویری و محکم است و بی‌شک از بهترین کارهای اخیر سازنده‌اش است. موسیقی نمایش «شمس» بیشترین بار اجرا را بر دوش می‌کشد و برای کارگردانی اثر، لحظات خوبی را ایجاد می‌نماید.

اگر به مذهب به عنوان یک عنصر دراماتیک - نه تمام ساختمان دراماتیک - جدی‌تر نگریسته شود و کارهای از این دست، هرچه فنی‌تر و اصولی‌تر بر صحنه، ظاهر شوند، می‌توانیم آینده‌ای درخشان را در شکل‌گیری تئاتر غنی و ملی و مذهبی خود، ببینیم.